کتابی که کتاب دیگری

در سال ۱۹۹۴ زبان‌شناس آمریکایی، مریت‌رولن کتابی با نام *مبداء زبانها: به دنبال آثاری از زبان مادری نخستین* نوشت. این کتاب به مدت سه سال با کم‌لطفی و تمسخرهای شدید و حتی وقیح زبان‌شناسان انگلیسی زبان روبه‌رو بود. اما در ژانویهٔ ۱۹۹۷، انتشار ترجمهٔ این کتاب به زبان فرانسوی، ارزش و اعتبار واقعی آن را هویدا ساخت.

دلیل این توجه و بخصوص ترجمهٔ آن به زبان فرانسوی، انتشار کتابی دیگر در همین زمان با عنوان *ژن و اقوام و زبانها* بود که نتایج پژوهشهای لوکاکاوالی اسفورزا، متخصص علم وراثتِ اقوام از دانشگاه استانفورد کالیفرنیا را در برداشت و به نحوی تردیدناپذیر نظریهٔ مریت‌رولن دربارهٔ وجود زبان مادری نخستین (برای همهٔ انسانها) را تأیید می‌کرد.

کتاب *مبداء زبانها* نوشتهٔ مریت‌رولن را استاد مشهور زبان‌شناسی، پیر بانسل ترجمه کرده و آندره لانگانه متخصص مشهور علم وراثت اقوام از موزهٔ انسان‌شناسی پاریس، مقدمه‌ای بر آن نوشته است. انتشار این کتاب با عکس‌العمل بسیار خوب مطبوعات فرانسه روبه‌رو شد؛ به نحوی که مجلهٔ هفتگی *نول اوبزرواتور* شمارهٔ ۱۵ ژانویهٔ ۱۹۹۷ خود را تحت عنوان «مبداء انسانها: اکتشافاتی که داده‌های تاریخی ما را به هم ریخت» به آن اختصاص داد و چندی بعد در ماه مارس، روزنامهٔ *لوموند* نیز در یک صفحهٔ کامل به تشریح کتاب *مبداء زبانها* پرداخت.

این نوشته مروری است بر کتابهای رولن و اسفورزا و مطالب مندرج در دو نشریهٔ مذکور.

***L'Origin des Lanques.* Meritt Ruhlen. Paris: Belin, 1997.**

***Genes, peuples et lanques,* luca Cavalli Sforza, Paris: Odile Jacob, 1997.**

در حال حاضر ۶ میلیارد ساکنان کرهٔ زمین با ۵ تا ۶ هزار نوع زبان و یا لهجهٔ مختلف با یکدیگر تکلم می‌کنند. زبان‌شناسان بعد از پژوهشهای بسیار و بحث و جدلهای بی‌پایانی که گاه خالی از نژادپرستی هم نبوده، سرانجام پذیرفته‌اند که کلیهٔ زبانهای رایج بر روی کرهٔ زمین، مشتق از دوازده زبان اولیه‌اند. در این مورد باید از تلاشهای زبان‌شناس مشهور امریکایی، هارولد گرینبرگ (متولد ۱۹۱۵) یاد شود. گرینبرگ در آغاز این نظریه را مطرح کرد که اگر تمام زبانهای آفریقایی را (که در حدود هزار است) براساس نوعی شجرهٔ خانوادگی دسته‌بندی کنیم، به ۴ خانوادهٔ زبانی ختم می‌شوند. در آغاز به این نظریه بشدت حمله شد و جملهٔ زبان‌شناسان، گرینبرگ را مورد تمسخر قرار دادند. ولی اکنون نظریات او با وجود آسیب فراوانی که به روشهای دانشگاهی تدریس زبان‌شناسی وارد آورده، مورد قبول همگان قرار گرفته است. سرانجام تلاشهای هارولد گرینبرگ منجر به پذیرش ۱۲ خانوادهٔ زبان اولیه از سوی اکثریت زبان‌شناسان جهان شد. نظریات او تمام نظریه‌های قبلی را که آموزش زبان‌شناسی براساس آنها استوار بوده و بویژه اهمیت فوق‌العاده‌ای به زبان هند و اروپایی می‌داد. به هم ریخت. حتی در زمان حیات او کار به جایی کشید که یکی از شاگردانش، مریت رولن، ادعا کرد که تمام زبانهای رایج بر روی کرهٔ زمین مستخرج از یک زبان مادری نخستین بوده و شمار محدودی از انسانهایی که در ۳۰ تا ۶۰ هزار سال پیش در آفریقا می‌زیسته‌اند، بدان تکلم می‌کرده‌اند.

بحث در مورد کتاب رولن را با این سؤال مطرح می‌کنیم: آیا اجداد انسانهای کنونی، یعنی هموهابیلیس‌ها و سپس هموارکتوس‌ها نوعی زبان ابتدایی برای مکالمه با یکدیگر داشته‌اند؟ و نیز آیا انسانهای نئاندرتال، برادران ماقبل تاریخ ما که نژاد آنها در ۳۰ هزار سال پیش منقرض شده و ثابت شده که از نظر فهم و ادراک از شبه انسانهای معاصر خود فهمیده‌تر بوده‌اند، با یکدیگر صحبت می‌کرده‌اند؟ حتی اگر پاسخ همهٔ این پرسشها مثبت باشد، اثری از زبانهای ابتدایی که تنها به صورت مکالمه و نه کتابت به کار می‌رفته، باقی نمانده است. برای رسیدن به مبدأ زبان انسانهای نخستین، زبان‌شناسان راهی جز مراجعه به اجزای کهن زبانهایی که در حال حاضر انسانهای کرهٔ زمین بدان تکلم می‌کنند، ندارند. بنابراین با دسته‌بندی این زبانها براساس اصطلاحات و کلمات و دستورزبانهای نزدیک به هم و مشابه، آنها را در خانواده‌های مشترک قرار می‌دهند تا شاخهٔ اصلی شجرهٔ هر زبان حاصل گردد و در نتیجه استنباطی از ریشهٔ زبان یا زبانهای نخستینی که اجداد ما بدان تکلم می‌کرده‌اند به دست آید. مریت رولن، استاد زبان‌شناسی دانشگاه استانفرد کالیفرنیا و عدهٔ زیادی از همکارانش بعد از تلاش و پژوهشهای فراوان بدین نتیجه رسیده‌اند که ریشهٔ اصلی دوازده خانوادهٔ زبانهای کنونی مردم روی کرهٔ زمین یک زبان مادری نخستین بوده است. آنها با انتخاب کلماتی نظیر مادر، آدم، بچه سگ، زمین، آب و... از بین کلمات معادل در دوازده گروه زبانهای نخستین، اظهار می‌دارند که شکل و تلفظ این لغات از خانواده‌ای به خانوادهٔ دیگر از گروه زبانهای نخستین، بسیار نزدیک به هم است. بیان این ادعا بسیار ساده، ولی باور کردن آن بسیار مشکل است. آنها خود قبول دارند که زبانهای نخستینی که برای نواحی مختلف دنیا در دست است، بی‌نهایت متفاوت از هم هستند و نیز قبول دارند که معنی کلمات به همان سادگی که تلفظ آنها از زبانی به زبان دیگر عوض می‌شود، چیز دیگری خواهد شد. به نحوی که این کلمات هم‌ریشه و خویشاوند که به عنوان وسیلهٔ تشخیص به کار گرفته می‌شوند، از زبانی به زبان دیگر غیرقابل شناخت می‌شوند. برای مثال حروف صدادار گاهی تغییرشکل داده و یا بکلی از بین می‌روند و نیز حروف بی‌صدا گاهی به یکدیگر متصل شده و یا بکلی جابه‌جا می‌شوند. پیشوندهایی اضافه گردیده، پسوندهایی برداشته شده و یا برعکس جای آنها با یکدیگر عوض می‌شود و بعلاوه معنی کلمات با این عوض شدنها تغییر کرده است.

برای درک مطالب گفته شده، این دو جمله را در نظر می‌گیریم: "mako maliq a aja" ، بچه مادرش را می‌مکد [بچه از مادرش شیر می‌خورد] و یا "kuan mana tika"، سگ بدون حرکت بر روی زمین مانده است. ریشهٔ کلمهٔ "mako" به معنی بچه، در زبان بانتو (ریشهٔ زبان اولیهٔ مجموعه‌ای از اقوام آفریقای جنوبی) به صورت "manku" است و یا در ریشهٔ اصلی زبانهای هندو اروپایی به صورت "maghos" به معنی جوان است. این کلمه در انواعی از گویشهای قفقازی به صورت "moki" به معنی جوان (کوچک) و در ریشهٔ زبان گینهٔ جدید "mak" به معنی بچه و نزد سرخ‌پوستان آمریکای شمالی و جنوبی به صورت "maku" به معنی پسر است. در جملهٔ دیگر، کلمهٔ سگ "kuan" در ریشهٔ اصلی هندواروپایی به صورت "kwon" است که بعداً در زبان یونانی باستان به صورت "kuon" در آمده و سپس در زبان لاتین "canis" شده است. همین تغییرات در تحولات زبانهای نخستین دیگر مشاهده شده است. در زبانهای نخستین دیگر با حفظ معنی خود به صورتهای "kjn"، "kano" و یا "kana" و یا "kene" و یا حتی به صورت "kunano" در می‌آید و نیز ممکن است به صورت "kuan" نیز درآید.

را مشهور کرد!

دکتر علی افضل صمدی

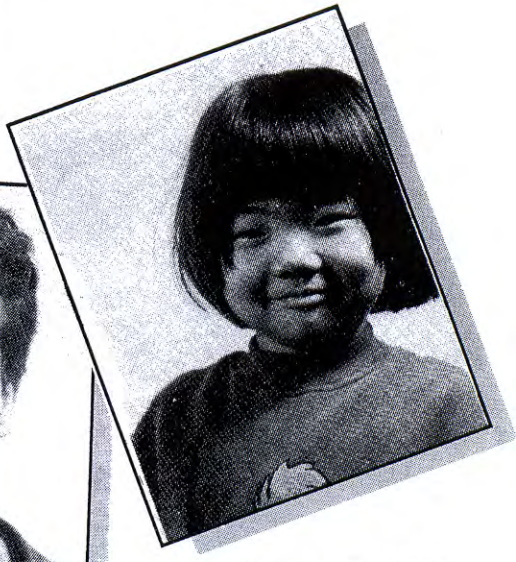

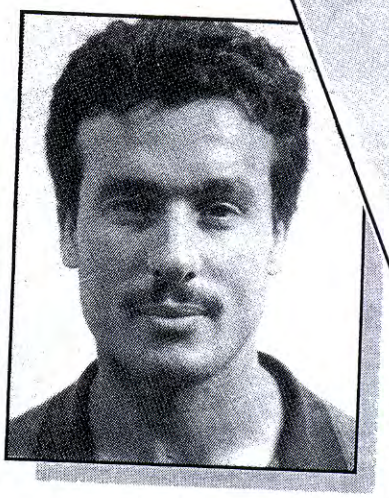

کلمهٔ "aja" به معنی مادر، در زبانهای نخستین به صورتهای "ajad, ja, ajal, aija, ija" در می‌آید و یا حتی به "aji" به معنی خواهر بزرگ شوهر تبدیل می‌شود. کلمهٔ «آب» که یک مادهٔ مهم و حیاتی برای انسانها در تمام دورانها بوده، در نظریهٔ رولن بخوبی شجره‌ای بودن زبانها را نمایش می‌دهد. در آغاز و در زبانهای نخستین احتمالاً به صورت "aqwa" بوده که در لاتین مبدل به "aqua" شده و در ریشهٔ اصلیِ زبان سرخ‌پوستان بدوی که در مرکز آمریکای شمالی زندگی می‌کرده‌اند به صورت "akwa" و یا به صورت "akho" بوده است. در زبانی از گروههای زبان هندی و جزایر اقیانوس آرام و یا در زبانهای مختلف آفریقایی به صورتهای "aqw, ago, qw, aq" در می‌آید. نزد سرخ‌پوستان کنونی آمریکا به صورتهای "jaku, uaka, kwa" و در زبان آلمانی به صورت "quelle" معنی چشمه را پیدا می‌کند. در ریشهٔ اصلی زبانهای منطقهٔ اورال مبدل به "youka" با مفهوم رودخانه شده و در برخی از زبانهای هندی به صورت "aka" مفهوم دریاچه را پیدا می‌کند. شاید برحسب تصادف است که در ریشهٔ زبان اصلیِ ساکنین سواحل نیل، "agud" ابر و یا در قبایل آمریکای جنوبی به صورت "oko" مفهوم باران را یافته است.

مقایسه‌های فوق بسیار فریبنده و حیرت‌انگیزند، ولی به تنهایی برای پذیرش نظریهٔ زبان‌شناسی مریت رولن که معتقد است همهٔ انسانها در آغاز زبان مشترکی داشته‌اند، کافی نیستند. اما بتازگی علم وراثت اقوام (ژنتیک اقوام) به مدد او آمده و نظریهٔ وی را قابل قبول می‌نمایاند. در طی ده سال اخیر کارهای چند تن از متخصصین علم وراثت اقوام، از جمله لوکا کاوالی اسفورزا از دانشگاه استانفرد کالیفرنیا و یا آندره لاتگانه از موزهٔ انسان‌شناسی پاریس ثابت کرده‌اند که در واقع رابطه‌ای آماری بین تنوع بیولوژیکی اقوام مختلف و تنوع زبان آنها وجود دارد. در پی پژوهشهای فراوانی که بر روی وراثت انسانها شده، کاوالی اسفورزا و شماری از همکارانش آشکار ساخته‌اند که شباهت بسیار مشخصی بین گروههای قبیله‌ای انسانهای نخستین (بر مبنای مطالعات بیولوژیکی گروههای خونی و پروتئین آنها) با خانوادهٔ زبانی که بدان تکلم می‌کرده‌اند، وجود دارد.

برای مثال، اقوام مختلفی که به زبان آفرو - آزیاتیکی (خانواده‌ای از دوازده زبان به نام آفریقا - آسیایی) تکلم می‌کرده‌اند، به رغم آنکه امروز در فاصله‌های بسیار دور از هم و پراکنده در آفریقا و یا در آسیا ساکن‌اند و با وجود آنکه زبانها و لهجه‌های کاملاً متفاوتی دارند، از نظر بیولوژیکی هم گروه‌اند. نتیجه آنکه ۱۲ خانوادهٔ زبانهای نخستینی که زبان‌شناسان مشخص کرده‌اند، رابطهٔ مستقیم بیولوژیکی با ۱۲ قبیلهٔ نخستین از افراد بشر دارند و این افراد و قبیله‌های آنها اکنون در تمام دنیا پراکنده‌اند. ۱۲ گروه زبانهای نخستین برحسب مناطق جغرافیایی آنها، در شکل زیر دیده می‌شوند.

با توجه به اینکه ژنها و کروموزمها رابطه‌ای با زبان ندارند و ناقل آن نیستند و با توجه به اینکه هر کودکی زبانی را یاد خواهد گرفت که به او آموخته‌اند، شباهتهای یافته شده به وسیلهٔ هر دو گروه از پژوهشگران با تخصصهای کاملاً متفاوت (زبان‌شناسان از یک سو و متخصصین علم وراثت از سوی دیگر) بسیار حیرت‌انگیز است و نیز مشخص‌کنندهٔ این حقیقت که: خانواده‌های ریشهٔ زبانهای نخستین و اقوام انسانها با مشخصات بیولوژیکی مشابه، منتج از حادثهٔ تاریخی مشابهی هستند. اقوامی با مشخصات بیولوژیکی یکسان و زبان نخستین یکسان، به ناگهان با هم از محلی به محل دیگر کوچ کرده‌اند. به نظر می‌رسد که منطقهٔ نخستین تمام این گروهها، آفریقا بوده است و از آنجا به سوی آسیا، اروپا و دنیای جدید مهاجرت کرده‌اند. نتیجه‌ای که لوکا کاوالی اسفورزا در کتاب خود، ***ژن و اقوام و زبانها*** به دست می‌دهد این است که ژنها و زبانها، گویای افسانهٔ زندگی اقوامی است که از گروههای انسانهای نخستین جدا شده، سرنوشت مشترکی را با یکدیگر شروع کرده و بتدریج زبان آنها متفاوت از گروه نخستینی شده که از آن جدا گردیده‌اند. با استفاده از این پژوهشها می‌توان چنین فرض کرد که ۶ میلیارد جمعیت کنونی کرهٔ زمین، همه از اجتماعات نخستین و محدودی از انسانها منشعب شده‌اند که به زبان مادری مشابهی تکلم می‌کرده‌اند. بنابر پژوهشهای بتازگی به عمل آمده برپایهٔ DNA اقوامی که به‌دستهٔ مشخصی از ۱۲ گروه زبانهای نخستین تکلم می‌کرده‌اند، ثابت شده که اجداد شکارچی و ریشهٔ گیاه‌خوارِ انسانهای مدرن، در برهه‌ای از زمان (بین ۳۰ تا ۶۰ هزار سال پیش) به ناگهان با خطر خاموشی نسل مواجه شده و تعداد آنها بسرعت رو به کاهش گذاشته و به دهها هزار نفر تقلیل یافته‌اند.

بنا بر قدیمی‌ترین فسیلهای یافته شده، می‌توان گفت که مبداء اصلی همهٔ انسانهای کنونی در نواحی آفریقای شمالی و شمال شرقی و خاورمیانه بوده است و به نظر می‌رسد که آفریقای جنوبی و جنوب غربی، خیلی دیرتر و شاید در ۱۰ هزارهٔ اخیر مسکونی شده باشد.

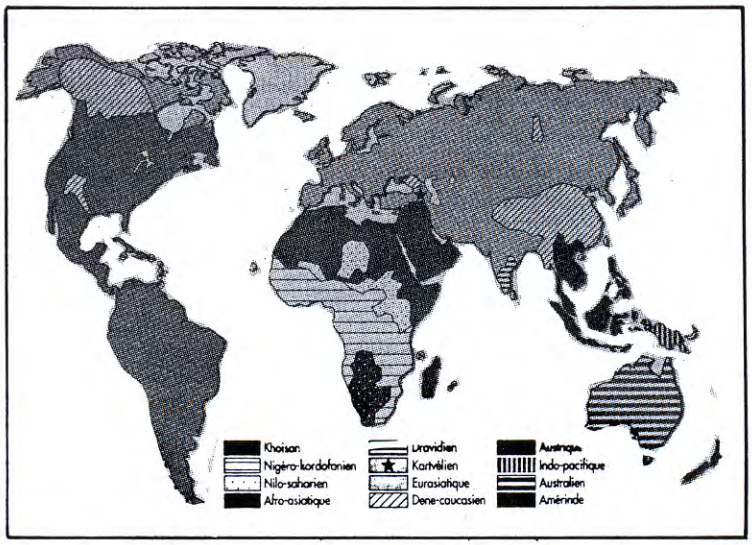

دسته‌بندی هزاران زبان رایج بر روی کرهٔ زمین. پژوهشگران توانسته‌اند آنها را در دوازده خانوادهٔ زبانهای اولیه قرار دهند.